اخبار

مناسک اربعین اعتکاف سیار است

سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در سخنرانی خود در آئین اختتامیه ششمین جایزه جهانی اربعین با محوریت «سرداران مقاومت؛ حافظان امنیت اربعین» که در حسینیه الزهرا (س) سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی برگزار شد، گفت: ششمین جایزه جهانی اربعین ابتکاری است که سازمان فرهنگ و ارتباطات از سال‌های قبل برگزار کرده و سال به سال بر دامنه و گستره آن افزوده شده است.

وی افزود: اربعین از جهات مختلف دارای اهمیت و توجه ویژه است و همین اهمیت ایجاب می‌کند آنچه در این مناسک روی می‌دهد، ثبت شده و به یادگار بماند.

صالحی ادامه داد: اربعین مزه، طعم و گستره خاصی داشته و هر سال بر اهمیت آن افزوده شده است و محدود به یک ساحت وجودی انسان نیست؛ بلکه ساحت و ابعاد مختلف انسان را درگیر می‌کند و این ویژگی به مناسک اربعین تمایز و امتیاز می‌دهد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بیان کرد: ساحت اول جسم انسان است یعنی مناسک اربعین جسم را درگیر می‌کند و مسیر پیاده‌روی اربعین سختی‌ها و ریاضت بدنی همراه دارد و بدن را از فرسایش روزمره دور می‌کند و آن را در قالب جدید در می‌آورد. ساحت دوم معرفت و باور است که بخش مهمی از ساحت وجودی انسان است و در اربعین اتفاقات مختلف می‌افتد و این پدیده ظرفیت این را دارد که تأمل در خویشتن و معرفت نفس ایجاد کند. مناسک اربعین نوعی اعتکاف سیار است و انسان در این رویداد روزهایی را در فضای اعتکاف‌گونه سپری می‌کند تا فرصت بازگشت به خود را پیدا کند.

صالحی درباره ساحت سوم و چهارم نیز چنین توضیح داد: ساحت سوم عواطف و احساسات است به این معنا که مناسک اربعین فرصت رشد عاطفی، احساسی و هیجانی مثبت را ایجاد می‌کند، احساسات نسبت به ستارگان درخشانی مانند اهل بیت (ع) و همچنین عواطف و احساسات ناب نسبت به دیگران. ساحت چهارم اراده است، انسان در چند روز پیاده‌روی اربعین هدف‌های بزرگش کوچک و هدف نهایی یعنی سید و سالار شهیدان، بزرگ می‌شود و این عرصه فرصت بازگشت و شدن و تغییر و تحول اساسی است.

سیدعباس صالحی در پایان سخنانش، اشاره کرد: ساحت پنجم ساحت عمل است، چه عمل گفتاری و چه کرداری و چه فردی و چه جمعی. اربعین می‌تواند چتر وفاق، سفینه نجات و خیمه ماندگاری برای صلح جهانی، همزیستی اجتماعی و تعامل و همبستگی باشد و جایزه جهانی اربعین به دنبال خوب دیدن، خوب روایت کردن و به زیبایی عرضه کردن راهپیمایی اربعین است و از نظر جهانی می‌تواند مؤثر و جاذبه‌آفرین باشد. بنابر اعلام این خبر، به مناسبت فرارسیدن نخستین سالگرد سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس، آئین اختتامیه ششمین جایزه جهانی اربعین با محوریت «سرداران مقاومت؛ حافظان امنیت اربعین» امروز (۸ دی ۱۳۹۹) با حضور شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی و با رعایت پروتکل‌های بهداشتی در محل حسینیه الزهرا (س) این سازمان، برگزار شد.

در این آئین، علاوه بر رونمایی از تمبر یادبود این دوره، کتاب پنج دوره قبل این جایزه و همچنین، پوستر دوره هفتم جایزه جهانی اربعین، از برگزیدگان دوره ششم هم تجلیل شد.

«کرکستان دهکده» منتشر شد

به نقل از روابط عمومی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، اونق درباره موضوع کتاب جدید خود گفت: داستان این رمان، زمانی اتفاق می‌افتد که کشور درگیر جنگ است. شخصیت اصلی ماجرا نوجوانی چهارده‌ساله است که هر دو برادرش برای دفاع از مام میهن به جنگ رفته‌اند و به همین دلیل تمامی سنگینی زندگی خانواده به عهده‌ی برادر کوچک‌تر گذاشته است. داستان چالش‌ها و تلاش‌های شخصیت نوجوان برای غلبه بر سختی‌های زندگی را بیان می‌کند. حاجی مراد که تا قبل از رفتن برادرها هیچ تصوری از سختی زندگی نداشت، حالا سنگینی زندگی را برگُرده‌اش احساس می‌کند. او می‌فهمد زندگی فقط کار در مزرعه اجاره‌ای نیست و سختی‌های دیگری هم دارد که او هرگز فکرش را نمی‌کرده است. این نویسنده ادامه داد: «جبار» پسر صاحب زمین به «آلتین» دختر زیبای همسایه‌شان سو نظر دارد. دختر خواهان برادر حاجی مراد است که در جبهه با دشمن می‌جنگد. مزرعه را حاجی مراد با کمک آلتین اداره می‌کند اما آلتین به خاطر مزاحمت‌های جبار مجبور شده است کار را رها کند. پدر مریض می‌شود و در نهایت می‌میرد، جبار به بهانه اینکه حاجی مراد کوچک‌سال است می‌خواهد مزرعه را از او بگیرد. حالا او هم باید در مقابل جبار و آدم‌های قلدرش مقاومت کند تا مزرعه را حفظ کند و هم از آلتین محافظت کند تا جای خالی برادرش حس نشود. مخصوصاً مرگ پدر به او می‌فهماند که بزرگ خانواده بودن چقدر سخت است.در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «آلتین وقتی می‌شنود بگ محمد برگشته، از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجد. اما از جانب جبار هم نگران است و می‌ترسد که به کمک آدم‌هایش بلایی سر بگ محمد بیاورد؛ برای همین یک‌جا بند نمی‌شود و طول و عرض اتاق را گز می‌کند. منتظر برگشتن مادرش است که رفته چشم‌روشنی به هاجر بگوید و برگردد. اگر دست خودش بود بال می‌زد و می‌رفت تا خودش هم به دلداده‌اش خوشامد بگوید. چقدر حرف داشت برای گفتن. هیچ‌وقت نتوانسته بود آنچه را که در دل داشت برای او بگوید.»طراحی جلد کتاب «کرکسان دهکده» بر عهده خسرو اشتری بوده و ویراستاری آن را حانیه بیرمی انجام داده است. انتشارات قدیانی (کتاب‌های بنفشه) «کرکسان دهکده» را در ۱۶۰ صفحه، شمارگان ۱۱۰۰ نسخه و قیمت ۲۰ هزار تومان در دسترس نوجوانان قرار داده است.

سهم ۸۰ درصدی ایران از بازار کتاب افغانستان به ۵۰ درصد رسیده است

WWW.IBNA.IR

برخی ناشران ایرانی به سهم خود سعی کرده‌اند بازار نشر افغانستان را برای خود و دیگر دوستان‌شان حفظ کنند. یکی از نشرهایی که در این زمینه تلاش زیادی انجام داده، نشر هرمس است که سعید دمیرچی مسئولیت آن را برعهده دارد. از او درباره ظرفیت‌های نشر ایران در افغانستان می‌پرسم و می‌گوید: «افغانستان کشوری است که رسم‌الخط فارسی دارد. البته شاید درمورد تاجیکستان هم این را بگویند که فارسی، زبان آنهاست اما به هرحال رسم‌الخط تاجیکی‌ها به‌صورت سریلیک است. کتاب‌های ایران در افغانستان بدون هیچ مشکلی قابل خواندن و درک شدن است. یعنی همین کتابی که در نشر هرمس یا در انتشارات دیگر منتشر می‌شود، به‌راحتی در افغانستان هم خوانده می‌شود. حتی کتاب‌های برخی ناشران که مرجع دانشگاهی حساب می‌شوند، در برخی دانشگاه‌های افغانستان به‌عنوان منبع نام برده می‌شوند و از آن استفاده می‌کنند و تدریس می‌شود.»

سهم ۸۰درصدی ایران که به ۵۰درصد رسیده است

او رابطه نشر ایران و افغانستان را حتی به قبل از پیروزی انقلاب مرتبط می‌داند و می‌گوید: «سابقه حضور نشر ایران در افغانستان به دهه ۴۰ برمی‌گردد. اما آن زمان چون تولید در ایران هم کم بوده است، نمی‌توانیم بگوییم که حجم زیادی کتاب از ایران به افغانستان می‌رود. اما مبادلات فرهنگی بوده است. در سال‌هایی هم که طالبان بر سر کار و افغانستان دچار جنگ داخلی بود، باز هم از طریق مرز زمینی و از سمت سیستان و بلوچستان، کتاب‌ها به پاکستان می‌رفت و بعد از آنجا هم کتابفروشی‌هایی که در پیشاور بودند، این کتاب‌ها را به‌سمت کابل می‌بردند، البته این تعداد هم زیاد نبود ولی با وجود طالبان و شرایط بسته در افغانستان، ارسال کتاب ایرانی به این کشور بسته نشد. بیشتر هم کتب مذهبی بود. اما بالاخره این بازار وجود داشته است.»

او به مسائل بعد از رفتن طالبان اشاره می‌کند و می‌گوید: «بعد از رفتن طالبان و باز شدن دانشگاه‌ها و آزاد شدن برخی مسائل، این مراودات بیشتر شد. به جرات می‌توانم بگویم که در سال‌های ۸۲ تا ۸۴، بیش از ۸۰درصد کتاب‌هایی که در افغانستان وجود داشت، چاپ ایران بود اما هر سال این عدد کمتر شد. الان باید بگوییم که این سهم به ۵۰درصد رسیده است.»

۱۰ تا ۵۰ میلیارد درآمد از صادرات کتاب

از دمیرچی درمورد آمار سالانه تعداد کتاب‌های ایرانی در افغانستان می‌پرسم و با بیان اینکه آمار دقیقی وجود ندارد، می‌گوید: «یک بخشی از انتقال کتاب از ایران به افغانستان باید با مجوز ارشاد انجام بگیرد که لیست کتاب را به ارشاد می‌دهیم و اداره کتاب یک کارشناس دارد که او باید نامه‌ای را به گمرک بدهد تا این کتاب‌ها به افغانستان فرستاده شود. این مساله چون روند دارد و ممکن است طول بکشد و طرف افغانستانی به کتاب احتیاج دارد، ممکن است از راه‌های رسمی کتاب‌ها را نبرد. خرید کتاب را انجام می‌دهد و بعد از طریق باربری آنها را به افغانستان منتقل می‌کند. برآورد من این است که سالانه بیش از ۱۰ میلیاردتومان کتاب به افغانستان می‌رود، این اتفاق هم از کانال‌های رسمی و هم غیررسمی انجام می‌گیرد. برای همین عدد درآوردن برای این مساله خیلی سخت است. مثلا من از یکی از دوستان شنیدم که یکی از ناشران افغانستانی سال گذشته فقط چهار میلیاردتومان، کتاب آموزش زبان انگلیسی از یکی از ناشران ایرانی خریداری کرد و کتاب‌ها را به افغانستان برد. درحقیقت ناشر ایرانی هزینه چاپ را برای ناشر افغانستانی پرداخت کرده است. چون هزینه‌های چاپ در ایران کمتر از افغانستان است و کیفیت بالاتری هم دارد. بخشی از کتاب‌های افغانستان داخل ایران چاپ می‌شود و به آنجا می‌رود. چون چاپ ایران کیفیت بهتری دارد. حالا اگر اینها را حساب کنیم، آمار بالاتر می‌رود. اما با توجه به حضور در این بازار بدون احتساب این مدل کتاب‌ها، سهم ایران از بازار نشر افغانستان بیش از ۱۰میلیاردتومان است که خب رقمی است که می‌تواند بیشتر هم بشود؛ با چاپ‌هایی که آنها خودشان به ما سفارش می‌دهند و اینجا چاپ می‌کنند، این مبلغ به ۵۰ میلیارد هم می‌رسد.»

چرا سهم کتاب‌های ایرانی در بازار افغانستان کم شده است؟

از دمیرچی درمورد چرایی کم شدن سهم ایران در بازار نشر افغانستان می‌پرسم و او دلایل متعددی را برای این مساله عنوان می‌کند و می‌گوید: «یک مساله این است که ناشران در افغانستان درحال رشد هستند. در اوایل دهه ۸۰، ضعف تولید محتوا و ناشر وجود داشت. اما هر سال که گذشت ناشران جدیدی در افغانستان شکل گرفتند. اساتید دانشگاه در سال‌های اول ترجیح‌شان این بود که کتاب‌های ایرانی معرفی کنند، چون منبعی نبود اما به‌مرور زمان خودشان شروع به چاپ کتاب‌ها و گردآوری آنها کردند و حالا رشد تولید کتاب در افغانستان را شاهد هستیم و این امر باعث شده است که بازار نشر در اختیار خودشان باشد. یک مساله دیگر هم مربوط می‌شود به کتاب‌های اورجینالی که از هند و پاکستان و کشورهای دیگر وارد افغانستان می‌شود و مساله دیگر افست شدن کتاب‌هاست که از طرف پاکستان این اقدام صورت می‌گیرد و حتی در خود افغانستان هم کتاب‌ها افست می‌شود، همه اینها باعث شده سهم ناشران ایرانی در بازار افغانستان کاهش پیدا کند.»

از او درباره سهم ترکیه و تلاش‌هایش می‌پرسم و می‌گوید: «من کمی این مساله را سخت می‌بینم، البته باید تحقیق بیشتری در این زمینه صورت بگیرد. ترکیه از طریق یکی از انتشارات خود یک حضوری در افغانستان دارد. این انتشارات ذیل بنیاد فتح‌الله گولن فعالیت می‌کرد و این بنیاد بودجه‌ای را برای یک انتشارات در کابل گذاشت و این انتشارات فعالیتش را شروع کرد تا فرهنگ ترکی را در افغانستان نشر دهد. ترکیه اختلاف زبانی با افغانستان دارد، اینکه کسی کتاب‌ها را از زبان ترکی به زبان فارسی ترجمه کند، زمینه زیادی برای این ترجمه‌ها می‌خواهد. این نکته‌ای است که باعث سختی کارشان می‌شود. بنیاد گلن با دولت فعلی ترکیه مشکل دارد و باز هم کارشان سخت می‌شود. این بنیاد کلا هدفش ترویج فرهنگ ترکیه در افغانستان و کشورهای دیگر است. اما چون در تضاد با دولت فعلی است، کارش سخت می‌شود. این بخش دولتی ترکیه است اگر کار به بخش خصوصی بکشد، سخت‌تر می‌شود. شما فکر کنید که من به‌عنوان یک بخش خصوصی در نشر ایران، کتاب‌ها را همین‌طور به افغانستان انتقال می‌دهم و به فروش می‌رسانم اما درمورد کشورهای دیگر مثلا همین ترکیه کار سخت‌تر است، چون باید اول کتاب به فارسی ترجمه شود و بعد در بازار نشر افغانستان حاضر شود.»

معرفی ناقص بازار نشر افغانستان برای ناشر ایرانی

دمیرچی درباره اینکه چقدر ناشران ایرانی، ظرفیت حضور در بازار نشر افغانستان را مغتنم می‌دانند، می‌گوید: «بازار نشر افغانستان به‌درستی برای ناشر ایرانی تصویر نشده است. یک‌سری از ناشران می‌گویند بازار بکری است که هیچ‌کس در آن حضور ندارد، بیایید فعالیت کنید و میلیونر شوید، از طرف دیگر، هستند ناشرانی که می‌گویند بازار بزرگی نیست و ظرفیت پذیرش این همه ناشر را ندارد. اینها به‌خاطر این است که ارزیابی دقیقی نسبت به فرهنگ و بافت اجتماعی افغانستان نداریم. افغانستان در کشور ما این‌طور معرفی شده که یک کشور جنگ‌زده و دارای مشکلات اقتصادی بسیاری است. مبتنی‌بر همین نگاه است که ناشران ترجیح می‌دهند در نمایشگاه‌های کشورهای اروپایی یا حاشیه خلیج‌فارس شرکت کنند که هم به قیمت دلاری کتاب را بفروشند و هم پز حضور در یک کشور خارجی را بدهند. افغانستان از این جهات برای ناشران ما جذابیت ندارد. ولی باید به این مساله اقرار کنیم که بازاری است که کتاب‌های ایرانی در آن عرضه می‌شود. نحوه انتقال کتاب‌ها هم بدین‌صورت است که یا دوستان افغانستانی خودشان به‌صورت حضوری به ایران می‌آیند و کتاب‌ها را خریداری می‌کنند یا اینکه از طریق مجموعه‌ای که ما چند سال است آن را راه‌اندازی کردیم و یا دوستان دیگری که در این زمینه فعالیت می‌کنند، این کتاب‌ها را می‌خرند و به افغانستان می‌فرستیم اما در دو حالت سود بیشتر برای کتابفروش افغانستانی است، چون از ناشر ایرانی با تخفیف به‌صورت ریالی کتاب را می‌خرد اما در افغانستان به‌صورت ارزی حالا یا افغان یا دلار کتاب را می‌فروشد.» دمیرچی درمورد شکل فعالیت ناشران ایرانی در افغانستان می‌گوید: «مساله اصلی این است که ناشران ایرانی فعالیت منسجم یا هماهنگی در افغانستان ندارند. متاسفانه این را نداریم که ناشران فعال در بازار نشر افغانستان ذیل یک اتحادیه یا یک صنف مشخص به‌صورت یکپارچه و متحد در افغانستان فعالیت کنند. یکی از دلایل و مشکلات این امر به بحث کپی‌رایت برمی‌گردد، ما که این مساله را نداریم. افغانستان هم این قانون را رعایت نمی‌کند.»

چند نکته مهم درمورد بازار نشر افغانستان

دمیرچی چند نکته را درمورد بازار نشر افغانستان مهم می‌داند و می‌گوید: «حجم مراودات و خریدوفروش کتاب در افغانستان به نسبت ایران پایین‌تر است، برای درک این مساله مثالی می‌زنم؛ «ملت عشق» که در ایران جزء کتاب‌های پرفروش است، مثلا به چاپ صدم می‌رسد و تیراژ هر نسخه را هم اگر سه هزار درنظر بگیریم، می‌توانیم بگوییم که ۳۰۰ هزار نسخه از این کتاب منتشر شده است. حالا اگر یک کتاب عمومی را در افغانستان درنظر بگیریم، این کتاب نهایت به چاپ هفتم می‌رسد و به تیراژ هزار تا هفت هزار نسخه می‌رسد. با این مثال می‌خواستم این نکته را بگویم که نباید نشر ایران و افغانستان را با هم مقایسه کرد. به لحاظ عددی ما جلو هستیم. درست است که آنها در این سال‌ها پیشرفت‌های خوبی داشته‌اند، اما باز هم هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله دارند. کاری که ما از حدود پنج سال پیش در افغانستان شروع کردیم این است که این کشور یک قانون داخلی دارد که اگر یک ناشر کتابی را منتشر کند و ناشر دیگری از آن کتاب چاپ کند، آن ناشر اول می‌تواند شکایت کند؛ مثل قانونی که ما در کشورمان داریم. ما آمدیم با چند ناشر ایرانی در بخش خصوصی صحبت کردیم و رایت کتاب‌هایشان را خریداری کردیم و به ناشر افغانستانی کتاب را واگذار کردیم تا او کتاب را چاپ کند و لوگوی نشر خود را هم بزند و به ناشر ایرانی هم درصدی را پرداخت کند. در این پنج سال به این روش کتاب‌ها را به افغانستان رساندیم. البته در برخی موارد هم این شکل کار جوابگو نیست، مثلا چند کتابی را که به‌صورت ترجمه در ایران منتشر شده بود، در افغانستان به یک ناشر فروختیم. اما یک ناشر دیگر سریع این ترجمه را کپی کرد و کتاب را فروخت و بازار ناشر اول را خراب کرد. مثلا ما حق رایت کتاب «شدن» میشیل اوباما را از نشر مهراندیش خریدیم و به یک ناشر در افغانستان فروختیم، این کتاب در افغانستان چندین جلد فروخت اما یک کتابفروش دیگر در افغانستان این کتاب را با ناشر دیگری در ایران کپی کرد و با قیمت پایین‌تر از کسی که پول رایت داده بود، عرضه کرد. برای همین شاید بشود درمورد کتاب‌های تالیفی در بازار نشر افغانستان کار کرد اما نمی‌شود به بازار کتاب‌های ترجمه‌ای تکیه کرد.»

سازوکار ارسال کتاب‌ها به افغانستان

دمیرچی درباره اینکه چه باید کرد تا بازار نشر ایران در افغانستان به یک تعامل دوسویه برسد و از ظرفیت‌های فرهنگی هر دو کشور استفاده کرد، گفت: «ببینید ما می‌دانیم که گاهی افتادن در بروکراسی‌های اداری و دولتی ممکن است باعث شود همین بازاری هم که الان داریم را از دست بدهیم. اگر بخواهیم بگوییم این سازوکار را بگذاریم باعث طولانی شدن روند کار می‌شود. عبور از مجرای دولتی همیشه سخت است. اما می‌شود کارهایی را انجام داد که باعث شود این روند کمی آسان‌تر باشد.

مثلا ارشاد قانونی را گذاشت که ناشران با فرستادن کتاب به خارج از ایران، از دادن مالیات معاف می‌شوند اما خب گمرک همین امسال درمورد این مساله ما را اذیت کرد و می‌گفتند که باید یک پرداختی داشته باشید یا در سیاستگذاری‌ها، ارشاد می‌تواند ورود کند. اما در کل به نظرم اتحادیه‌ها که یک صنف مستقل هستند باید در این زمینه فعال شوند و این مساله می‌تواند بسیار در روند کار ناشران برای ورود کتاب‌ها به افغانستان تاثیرگذار باشد. به نظرم بازار افغانستان برای ناشران ایرانی بازار خوبی است و می‌تواند راهگشا باشد.

اما ما یک‌سری مشکلات داخلی داریم در حوزه نشر که آنها را به افغانستان تعمیم می‌دهیم. مثلا از یک عنوان کتاب ۱۸ عنوان منتشر می‌شود یعنی ۱۸ترجمه مختلف فقط از یک کتاب، بعد ناشری که اصلا برای این کتاب زحمت نکشیده، کتاب را با ۷۰درصد تخفیف به ناشر افغانستانی می‌دهد و اینجا ضرر اصلی را ناشر حرفه‌ای می‌کند که با اخلاق درحال فعالیت است. راه‌حل این موضوع می‌تواند یک انجمن باشد که در این زمینه فعالیت کند و این سازوکارها را بین ایران و افغانستان تسهیل کند، که این کار هم زمانبر است و چیزی حدود ۵ تا ۱۰ سال زمان می‌خواهد تا این فرهنگ‌سازی صورت بگیرد.»

* * *

کتاب تدوین برنامه درسی تربیت بدنیِ استانداردمحور منتشر شد

کتاب تدوین برنامه درسی تربیت‌بدنیِ استانداردمحور برای دانشجویان رشته آموزش تربیت‌بدنی به عنوان منَبع قابل استفاده دروس «کاروری» در مقطع دکتری و «اصول و روش‌های آموزش اثربخش در تربیت‌بدنی» و «تدوین برنامه درسی تربیت‌بدنی» در مقطع کارشناسی ارشد ترجمه شده است.

فهرست مطالب
اختصارات
مقدمه‌ای بر ترجمه
پیشگفتار
مقدمه
درباره نویسندگان
بخش اول: فرایند برنامه درسی
فصل اول: مقدمه‌ای بر برنامه ریزی درسی استانداردمحور
فصل دوم: دیدگاه‌های بین المللی درباره پیاده سازی استانداردها
فصل سوم: تدوین برنامه تربیت بدنی باکیفیت
فصل چهارم: تدوین برنامه درسی
فصل پنجم: ارزشیابی برنامه درسی تربیتبدنی
فصل ششم: تدوین سنجشهای برنامه‌های درسی
فصل هفتم: آموزش همه کودکان: بها دادن به دانش آموزان از طریق عمل تربیتی پاسخگو و فراگیر
بخش دوم: الگوهای برنامه درسی با یک مضمون اصلی
فصل هشتم: مسئولیت پذیری شخصی و اجتماعی
فصل نهم: رویکرد مضمون مهارتی به تربیت بدنی
فصل دهم: تعلیم و تربیت ماجراجویانه در برنامه تربیت بدنی خودتان
فصل یازدهم: تعلیم و تربیت در فضای باز
فصل دوازدهم: تدریس بازی‌های ورزشی برای فهمیدن
فصل سیزدهم: تعلیم و تربیت ورزشی: تجارب ورزشی واقعی
فصل چهاردهم: برنامه درسی مطالعات فرهنگی در فعالیت بدنی و ورزش
فصل پانزدهم: تعلیم و تربیت سلامتی ساز و از طریق آمادگی جسمانی
بخش سوم: برنامه درسی خود را پویا نگه دارید
فصل شانزدهم: طراحی برنامه درسی استانداردمحور طراحی متداول و معمولی نیست
واژه نامه توصیفی
نمایه

کتاب در مجموع حاوی سه بخش جداگانه و ۱۶ فصل است. بخش اول با عنوان «فرایند برنامه درسی» شامل ۷ فصل، بخش دوم با عنوان «الگوهای برنامه درسی با یک مضمون اصلی» شامل ۸ فصل، و بخش سوم با عنوان «برنامه درسی خود را پویا نگه دارید» شامل ۱ فصل کل محتوای کتاب را تشکیل می‌دهد.

ویراست سوم این کتاب تغییرات بسیاری داشته است و نویسندگان معتقدند فرایند طراحی برنامه درسی را برای تحقق نیازهای دانشجویان تربیت‌معلم و شاگردان معلمان فعلی بهبود خواهد بخشید. تغییرات نتیجه پیشنهادهای بازبینی‌کنندگان خودمان و کسانی است که نسخه قبلی کتاب را استفاده کرده‌اند و برای به اشتراک گذاشتن بینش‌ها و نگرانی‌های خود وقت گذاشته‌اند. تغییرات ویژه به‌شرح زیر است:

در فصل اول، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی درسی استانداردمحور، استانداردهای ملی سال ۲۰۱۴ تربیت‌بدنی با آخرین تجدیدنظر و تأیید معرفی شده است. نویسندگان توضیح می‌دهند که چگونه این استانداردها از سری قبلی متمایز و برای کمک به خواننده نمونه‌هایی ارائه می‌شود تا نحوه استفاده از استانداردهای جدید را یاد بگیرند.

فصل دوم، دیدگاه‌های بین‌المللی درباره پیاده‌سازی استانداردها، فصل کاملاً جدیدی است که آن مک‌فل، مدیر گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی دانشگاه لیمریک، نوشته است. در این فصل، صرف‌نظر از کشوری که تربیت‌بدنی در آن تدریس می‌شود، میزان مشابهت اهداف، استانداردها، یا پیامدهای تربیت‌بدنی بررسی شده است. قصد در این فصل یافتن مؤثرترین نظام نیست، بلکه ارائه دیدگاه درباره روش‌های بین‌المللی تربیت‌بدنی است. در این فصل مفاهیم و اصطلاحات تربیت‌بدنی مورد استفاده در هر کشور شرح داده شده است.

فصل سوم، تدوین برنامه تربیت‌بدنی باکیفیت، و فصل چهارم، تدوین برنامه درسی، در اصل فصل دوم ویراست دوم کتاب است. در پاسخ به پیشنهادهای افرادی که از کتاب استفاده کرده بودند، نویسندگان استانداردها را جداکردند تا جنبه‌های فلسفی طراحی برنامه و سپس کاربرد اصول در عمل را کامل‌تر توصیف کنند.

در فصل پنجم، ارزشیابی برنامه درسی تربیت‌بدنی، فرایندی توصیف شده است که مدیران یا معلمان بتوانند از آن در ارزشیابی اثربخشی برنامه درسی استفاده کنند. در کتاب پیش‌رو، فرایند ارزشیابی تجدیدنظرشده و موارد اضافی آن پیشنهاد شده است. بخش مربوط به انواع مختلف ابزارهای پیمایش با افزودن توصیه‌هایی برای طرح انواع مختلف سؤال‌های تحقیق گسترش یافته است. این فصل شامل نمونه برنامه ارزشیابی برنامه درسی، تصمیم‌های متعدد اخذشده، و دلایل اتخاذ آن تصمیم‌هاست. روایتی گام‌به‌گام از رئوس کلی فرایند برنامه ارائه می‌شود تا بتوانید برای ارزشیابی برنامه درسی خود از آن پیروی کنید.

در فصل ششم، تدوین سنجش‌های برنامه‌های درسی، کاملاً بر سنجش‌های برنامه‌های درسی یا برنامه‌ای تمرکز شده است؛ سنجش‌های درسی در فصولی گنجانیده شده است که توصیفگر الگوهای برنامه درسی باشد. فصل سنجش با بحث درباره سنجش استانداردها شروع می‌شود، سپس اطلاعات خاصی درباره سنجش استانداردهای سال ۲۰۱۴ ارائه شده است. این فصل، تا آنجا که به برنامه درسی مربوط می‌شود، بحثی درباره انواع متنوع سنجش دارد که بر تصویر جامع و تجسم یادگیری دانش‌آموز متمرکز است. مقصود از این تجدیدنظر هدایت خواننده به‌سوی سنجش‌های پایانی یا تراکمی است تا یادگیری دانش‌آموزان در پایان واحد درسی یا مراحل مختلف تصمیم‌گیری در مورد برنامه درسی ارزشیابی شود (مثل، پایان دوره ابتدایی، پایان دوره اول متوسطه، فارغ‌التحصیلی از دبیرستان).

در فصل هفتم، آموزش همه کودکان: بهادادن به دانش‌آموزان از طریق عمل تربیتی پاسخگو و فراگیر، نویسندگان خوانندگان را به تفکر انتقادی درباره چگونگی توجه به همه جوانان در برنامه‌ریزی و اجرای تربیت‌بدنی عادلانه برای همه آن‌ها تشویق می‌کنند. مثال‌ها برای جلب توجه و تقویت بینش معلمان به‌روز شده و افزایش یافته است.

در فصل هشتم، مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی، بر استانداردهای ملی جدید تأکید شده است. مثال‌هایی از پیاده‌سازی الگوی مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در کلاس‌های دوره ابتدایی و دوره اول متوسطه ارائه و سنجش‌های درسی متناسب با این الگو به خواننده پیشنهاد شده است.

در فصل نهم، رویکرد مضمون مهارتی به تربیت‌بدنی، برای آشنایی خواننده، مثال‌های متنوع و جدید فعالیت‌هایی که معلمان در همه سطوح سنی استفاده می‌کنند افزایش یافته و به‌روز شده است. این مثال‌های هیجان‌انگیز همچنین در قالب مواد کمک آموزشی تشریح و تنظیم شده است.

فصل دهم، تعلیم و تربیت ماجراجویانه در برنامه تربیت‌بدنی خودتان، با کمک نویسنده همکار جدیدی، به نام دکتر سو ساترلند، به‌روزرسانی شد. وی در تجدیدنظر در این فصل کمک شایانی داشت. ساترلند با استفاده از رویکرد آموزشی یادگیری ماجراجویانه (ABL) چندین ایده درباره تعلیم و تربیت ماجراجویانه و مثال‌هایی برای اجرای آن اضافه کرده است. هر دو نویسنده در بیان توضیحات آسان به خواننده تلاش کرده‌اند، تا برنامه‌ای را دنبال کنند که با طی مراحل تشریح‌شده در این فصل برنامه درسی تعلیم و تربیت ماجراجویانه اجرا شود. روش‌های سنجشی متناسب با این الگو نیز در این فصل گنجانده شده است.

فصل تجدیدنظرشده یازدهم، تعلیم و تربیت در فضای باز، اکنون حاوی مثال‌های بین‌المللی درباره تعلیم و تربیت در فضای باز است. یک واحد درسی جهت‌یابی نمونه برای دانش‌آموزان مدارس ابتدایی، همچنین واحد درسی مخفیگاه‌یابی برای دانش‌آموزان سال‌های بالاتر به این فصل افزوده شده است. این دو واحد درسی جدید نشان می‌دهد که چطور می‌توان تعلیم و تربیت در فضای باز را، صرف‌نظر از اینکه در کجای برنامه قرار گیرد، به برنامه درسی وارد کرد.

در فصل دوازدهم، تدریس بازی‌های ورزشی برای فهمیدن، واحد برنامه درسی تاکتیکی ارائه شده است. این واحد اخیراً برای توصیف واحد درسی بازی‌های ورزشی تهاجمی برای دانش‌آموزان سال‌های آخر ابتدایی یا دانش‌آموزان دوره اول متوسطه تدوین شده است. مشاهده نمونه‌ای از کاربرد ابزار سنجش عملکرد در بازی ورزشی (GPAI) در این فصل گنجانده شده است تا به خواننده سنجش مناسب برای این الگو را نشان دهد.

فصل سیزدهم، تعلیم و تربیت ورزشی: تجارب ورزشی واقعی، در راستای استانداردهای جدید به‌روز و تجدیدنظر شده است و مثال‌ها و کاربردهای فراوانی برای هدایت معلم در به‌خدمت‌گرفتن این الگو برای دستیابی به اهداف استانداردهای مختلف ارائه شده است.

فصل چهاردهم، برنامه درسی مطالعات فرهنگی در فعالیت بدنی و ورزش، در تلاش برای تشریح اینکه چگونه الگوی برنامه درسی مطالعات فرهنگی برای جوانان اثربخش‌تر تدریس شود، تجدیدنظرهای قابل توجهی داشته است. نویسندگان کتاب کاری را انجام دادند که در انگلستان، استرالیا و نیوزیلند انجام شده بود. در این کشورها نسبت به سلامت و تربیت‌بدنی دیدگاهی اجتماعی فرهنگی وجود دارد. نویسنده همکار، دکتر ایمیر انرایت، دیدگاه مفیدی برای این کاربردهای جدید ارائه کرده است که دلالت بر تحقق استانداردهای ملی ۲۰۱۴ دارد.

اخبار

همراهی مخاطبان و بینندگان کانال آذری شبکه سحر با «من قاسم سلیمانی هستم»

مستند «من قاسم سلیمانی هستم» با نگاهی دیگر به تشییع پیکر مطهر «شهید قاسم سلیمانی» در شهرهای مختلف ایران از کانال آذری شبکه سحر پخش می شود.

به گزارش امتیاز، این فیلم نگاهی نو و روایتی دیگرگونه از تشییع پیکر سردار سپهبد شهید «قاسم سلیمانی» در شهرهای اهواز، مشهد، قم، تهران و کرمان دارد. این مستند ۱۹ دقیقه ای با کارگردانی امیرسینا سلیمی ساخته شده است و زین العابدین تقی پور و وحید حسنی کار نگارش اثر را انجام داده اند.

در این مستند، دوربین مستند ساز همسفر با پیکر «سردار دل ها» در شهرهای مختلف با مردم کوچه و خیابان هم کلام شده و می خوانند «رواق منظر چشم من آشیانه توست ، کرم نما و فرودآ که خانه خانه توست».

مستند «من قاسم سلیمانی هستم» با تهیه کنندگی امیرسینا سلیمی جمعه ۱۲ دی ساعت ۱۶:۳۰ به وقت تهران بر روی آنتن کانال آذری شبکه سحر است.

این مستند محصول مرکز بسیج سازمان صدا وسیما است و مدیریت دوبلاژ و زبانگردانی به زبان آذری آن را توحید یعقوب زاده انجام داده است.

* * *

نمایش «از سرزمین شمالی» در شبکه سحر

مجموعه مستند «از سرزمین شمالی» با کارگردانی یاسر طالبی از کانال بالکان شبکه سحر بر روی آنتن است.

به گزارش امتیاز، در مطلع این مستند زیبا می خوانیم: این برنامه در زمینه مازندران شناسی و مازندران گردی تولید می شود، تا ایرانیان را با تاریخ، فرهنگ، مناطق دیدنی و سنت های بومی آشنا سازد. به همین خاطر با همراه شدن با ما نه تنها گردش نمی کنید! بلکه توشه ای از شناخت تاریخ و فرهنگ و طبیعت این سرزمین برمی دارید.

میترا روحی روشن تهیه کننده این مجموعه مستند است و طی آن تاریخ، فرهنگ، جاذبه های توریستی، غذاهای محلی و دیگر جاذبه های سنتی و بومی این خطه از کشورمان در قالب عناوینی همچون: آمل دروازه مازندران، بابل و قصه ها و رنگ ها، به سوی دریا و جنگل، بلندی های بلده، در قلب رامسر سرزمین رویاها، در جستجوی آینه، در رویای رامسر، در سایه سار هیرکانی، گذر از بهشت از غرب تا شرق، کجور سرزمین کهن، ساری پایتخت ۶ هزار ساله، شگفتی های کوهستان و زمستان و سفر به شرق برای مخاطبان و بینندگان کانال بالکان معرفی می شود.

«از سرزمین شمالی» هر شب از ساعت ۲۴:۳۰ به وقت تهران در مدت زمان ۴۴ دقیقه و محصول شبکه مستند بر روی آنتن کانال بالکان شبکه سحر است.

آدین یاشاروویچ زبانگردانی و ترجمه این مستند به زبان بوسنیایی را برعهده دارد.

* * *

شبکه الکوثر به سراغ «تصمیم نهایی» رفت

با اتمام مجموعه تلویزیونی «تعبیر وارونه یک رویا» سریال «تصمیم نهایی» از شبکه الکوثر پخش می شود.

به گزارش امتیاز، «تصمیم نهایی» با کارگردانی محسن شاه محمدی و تهیه کنندگی زنده یاد منوچهر پوراحمد در سال ۱۳۸۰ ساخته شده است.

این سریال در ژانر پلیسی داستان زندگی فردی به نام «اسماعیل کلانی» است که فرزندش قربانی اعتیاد شده است و با اعتقاد به اجرای عدالت شخصی، به همراه همسرش «راضیه»، تصمیم به مجازات عاملان قتل فرزند خود می گیرد. داریوش فرهنگ، فتحعلی اویسی، مهوش افشارپناه، پانته آ پوراحمد، زنده یاد حسین پناهی، کیوان محمدنژاد، مهدی سلطانی سروستانی، مینا نوروزی، منوچهر احضرپور، علی نصریان، زنده یاد پروین دخت یزدانیان، حسین خانی بیک و شراره یوسف نیا در «تصمیم نهایی» نقش آفرینی کرده اند.

مجموعه تلویزیونی «تصمیم نهایی» از سه شنبه ۹ دی ساعت ۲۴:۰۰ به وقت تهران در ۱۵ قسمت بر روی آنتن شبکه الکوثر است.

شبکه آی فیلم زبانگردانی و دوبله این سریال به زبان عربی را انجام داده است.

* * *

تشریح کودتای ۲۸ مرداد در «شکست سلطه» به زبان اردو و کردی

آنالیز کودتای ۲۸ مرداد در مستند «شکست سلطه» برای مخاطبان شبه قاره و کرد زبان شبکه سحر دوبله شد.

به گزارش امتیاز، کودتای ۲۸ مرداد یکی از مهم ترین و سرنوشت سازترین حوادث سیاسی تاریخ معاصر ایران و سرمنشاء بسیاری از حوادث تلخ تاریخی ایران است. از این رو شبکه سحر مستند «شکست سلطه» را که به تشریح کامل این موضوع پرداخته است،برای پخش از کانال اردو و کردی دوبله و آماده پخش کرده است. این مستند مروری بر وقایع اتفاقیه دولت دکتر مصدق دارد و رد پای بیگانگان از جمله لکه ننگین دخالت آمریکا را در کودتای ننگین و سیاه ۲۸ مرداد که شیرینی نهضت ملی شدن صنعت نفت را بر کام ملت ایران تلخ کرد ، بررسی و تفسیر خواهد کرد. در این مستند چرخش و انتقال قدرت صورت گرفته در کودتا به عنوان نمونه ای دیگر از تلاش استعمار خارجی به مدد استبداد داخلی برای محروم ساختن ایران از استقلال و آزادی از زبان کارشناسان و مورخان تاریخ، تشریح خواهد شد. «شکست سلطه» تولید شبکه پنج سیما با مدیریت دوبلاژ توحید یعقوب زاده به زودی در کنداکتور پخش کانال اردو و کردی شبکه سحر قرار خواهد گرفت.